

ستاره سرخ

ستاره سرخ - شماره ۲۲ - سال سوم

روزبویستهای شوروی دست اندر دست
امپریالیسم آمریکا آنقدر لعصاب زشت
و اهریمنی مرتکب شده اند که خلقهای
انقلابی جهان آنها را بدون کپیفر
نخواهند گذاشت .
خلقهای جهان اکنون با میخیزند
یک دوران نوین تاریخی هم اکنون
آغاز شده است . این دوران مبارزه
علیه امپریالیسم آمریکا و روزبویست
شوروی است . (مائوتسه دون)

آبان ماه ۱۳۵۱ - برابر نوامبر ۱۹۷۲

مبارزه طبقاتی

و به مقاومت و مبارزه پرداختند . نمونه ای از آن قیام معروف
زنکیان است که در طی آن نیم میلیون برده در جنوب ایران
و عربستان با خاستند و ۵ سال مبارزه کردند . مجموعه
اینگونه مبارزات و مقاومتها تاریخ ما را بجلو راند . دوران
نوینی را بوجود آورد که اگرچه شرقی تر از گذشته بود ولی چنانچه
باز هم اساساً دو طبقه مشخص متمسک و مستعبد یعنی
مالکین فئودال و دهقانان تشکیل میشد . این شیوه نوین
استعمار (فئودالیسم) دوران نسبتاً طولانی (از قرن پنجم
تا قرن بیستم میلادی) را در بر گرفته و تا به امروز به اشکال
کوناگون باقی مانده است . تحت این نظام آنها که متعلق
به طبقه "مستازم" بودند ، مجبور بودند بهر کاری تن در دهند
علیرغم اینکه کلیه محصولات و صنایع ساخت دست و هفتاً
و نخبه بودند لیکن مالکین آنرا در تملک خود داشتند و آنها
در هفتان را مجبور میکردند که قسمت عمده محصول خود را
بصورت بهره مالکانه خراج مالیات و سوره سات به مالک
بپردازند و علاوه بر آن کاخهای شاه و اشراف را بنا کنند
برای شهرها حصار و پادشاه بسازند ، اقامت و احشام مالکین
را بچرانند ، از اموال خانواده آنها نگهداری کنند ، از
سپاهیان پذیرایی کنند ، به صنعتگری بپردازند ، آبسنگاه
های چابهارا حفظ کنند و در مواقع جنگه با جبار بیهودان
جنگ روند و قربانی کینه توزی و ثروت اندوزی این اشراف
و مالکین بزرگ و مستبد گردند . لیکن دهقانان در مقابل
اینهمه ظلم و استعمار ساکت ننشستند . قیامهای مزرکیان
و خرم دینان از جمله قیامهای عظیم دهقانی بودند
که پایه های نظام فئودالی را به لرزه در آوردند
هنگامیکه پوسیدگی نظام فئودالی هر روز بیشتر نمایان می
گردید و درین آن نیروهای مولده جدید (پیشه وران
و صنعتگران) در حال رشد بودند . روزبویستی فریه اروپا
بقیه در صفحه ۳

هنگامیکه در میهن ما جنبش کارگری در حال رشد
و توسعه است و ماکسیسم - لنینیسم راه ایجاد حزب
کمونیست ایران تلاتر و مبارزه میکند . هنگامیکه رژیم شاه
مذبحانه میکوشد طبقه متوسط مبارزه طبقاتی را در جامعه ما
انکار کند و در این امر روزبویستهای حزب توده اروپا یاری
میدهند . یار دیگر "مانیفست حزب کمونیست" اثر دوران ساز
کارل مارکس و فردریک انگلس به فارسی انتشار می یابد
"مانیفست حزب کمونیست" سلاح ایدئولوژیک برنده ای
است در دست پرولتاریا در نبرد علیه رژیم شاه و اربابان
امپریالیستش . مطالعه این اثر تاریخی از این نظر که
قانونمند و علمی سیر رشد جوامع را روشن میسازد باید
در دستور کار هر انقلابی پرولتاری قرار گیرد .
مارکس و انگلس در سرفاتر "مانیفست" میگویند :
" تاریخ کلیه جوامعی که تا کنون وجود داشته تاریخ
مبارزه طبقاتی ... و بیگار بین طبقات استعمارگر و
استعمارزده طبقات حاکم و محکوم بوده است . تاریخ
کشور ما نیز گواه خوبی بر این واقعیت تاریخی است چه
از قیام زنکیان تا قیام مشروطه مبارزات کونی همواره بین
ستمگرو ستمگن بوده و برده دار مالک و رعیت کارفرما
و کارگر جدالی سخت و آشتی ناپذیر جریان داشته است .
در ایام هخامنشیان و اشکانیان (از ۵۵۱
قبل از میلاد تا قرن پنجم میلادی) علیرغم اینکه
فعالتهای تولیدی را با سرگردان انجام
میدادند و تولید کنندگان واقعی ثروت و هنر جامعه بودند
خود جزو خوارترین طبقات جامعه محسوب میشدند . بر
درا آنها را به زنجیر میکشیدند ، چون منای در بازار خرید
و فروخته میکردند و چون حیوانات در طوبله جایشان می
دادند و حق داشتند بدخواه آنان را بکشند . لیکن
برندگان در مقابل اینهمه ستم و بهره کشی تسلیم نشدند

شاه و سوسیال امپریالیسم

چه هدفی را دنبال میکند ؟ برای روشن شدن این
مطلب بجاست به بنیم ماهیت سیاست های شوروی آنچنان
که دستگاه های تبلیغاتی شان و روزبویستهای خائن
حزب توده معرفی میکنند " صلح جوانه " در جهت
استقلال کشورهای وابسته به امپریالیسم ، در خدمت
پرولتاریا و توده های خلق " است یا تجاوز کرانه
استعمار کرانه و بر ضد منافع توده ها ؟
ما در این مقاله به سیر تاریخی رشد روزبویست
در اتحاد شوروی و تبدیل اولین کشور سوسیالیستی بکشور
سرمایه داری و امپریالیستی بر نمی گردیم . آنچه در این
جامد نظر ماست آوردن نمونه هایی از عملکرد سوسیال -
امپریالیسم و از این طریق نشان دادن ماهیت تجاوزی و
استعمارگرانه آن میباشد . این نمونه ها در عین خاص
بودنشان دارای جنبه عمومی هستند و سوسیال - امپ
یالیستهای شوروی با سایر کشورها نیز بدین گونه رفتار
میکند .
- از خصوصیات بارز سیاست امپریالیستی ایجاد قرار
دادن نا عادلانه اقتصادی و استعمار شدید خلقهای
دیگر است . سوسیال - امپریالیستهای شوروی اینچنین
سیاستی را دنبال میکنند . بعنوان مثال هم اکنون این
سوسیال - امپریالیستها با زار کار کشور ما را بدست گرفته
اند . طبق قرار دادشان با ایران بابت هر یک میلیون
بی - تی - یو (واحد ارزش حرارتی گاز) تنها ۱۵ / ۶
سنت می پردازند (در حالیکه الجزیره و لیبی همین
مقدار گاز را به ترتیب به قیمت ۶۲ سنت و ۴۲ سنت
می فروشند) . و طبق قراردادی که با چکسلواکی و
آلمان دارند همین مقدار گاز را به قیمت ۴۲ سنت به
آنها میفروشند . یعنی یک کشور با اصطلاح سوسیالیستی
بقیه در صفحه ۲

پس از خیانت اخیر شاه در مورد واگذاری در دست
نفت به کسرسوم امپریالیستهای غربی برای ۲۲ سال دیگر
شاه در سفر خود به شوروی به توطئه چینی جدیدی در
قبال خلقهای میهن ما دست زد . شاه در این سفر
نه تنها زمینه باز هم مساعد تری را برای چپاول وغارت
منابع طبیعی ما توسط سوسیال - امپریالیستها فراهم
آورد ، بلکه در زمینه سیاسی نیز کامی باز هم بلند تر
در جهت وابستگی بیشتر کشور ما برداشت .
این توطئه جدید شاه چه بود ؟ " کیهان " مورخ
۱۶ مه ماه ۱۳۵۱ نوشت : " شاهنشاه خواستار امضا
قراردادی نظیر امنیت اروپا برای آسیا شدند " و شاه
در نطق خود در مسکو رسماً اعلام کرد " همانطور که در
اروپا پایه های امنیت اروپائی گذاشته میشود و با کمال
خوشوقتی می بینیم که در این مورد قدمهای مهمی از قبیل
امضا قراردادی بین جمهوری فدرال آلمان با دولت
شوروی و دولت لهستان برداشته شده و شاید در آینده
بشود برای آسیا هم فکری از این نوع کرد " .
این فکر " بگری " که شاه در خدمت سوسیال -
امپریالیسم از آن صحبت میکند چیست ؟ آیا این همان
فکر " بگری " نبود که برزف در ژوئن ۱۹۶۹ تحت عنوان
" سیستم امنیت جمعی آسیا " از آن صحبت کرد ؟ و بعد
طرح این " سیستم " بیش از ۲۰ هیئت نمایندگی بکشور
های مختلف اعزام داشت بجز هند و ویتنام
نه تنها کسی از فکر " بگری " برزف در آن زمان
استقبال نکرد بلکه این طرح با مخالفت و ایستادگی
کشورهای جنوب شرقی آسیا ، سیلان و پاکستان روبرو
شد . اخیراً بعد از مدتی خاموشی این بار شاه آنرا
علم کرده و مشتاق برقراری چنین بیبانی است .
" بیبانی امنیت جمعی آسیا " ی برزف چیست و

زنده باد جنبش اعتصابی کارگران

خود جلوی رشد سرمایه داری ملی و کوچک را سد میکند
در ماههای اخیر بخشی بزرگ از این توده ستمگن
از لایه ای انگلستان طبقات ستمگر و استعمارگر حاکم چرک و خون می چکد . خبر مرگ ۳۳ کارگر
زخمگردد معدن زغال سنگ " طرزه " بار دیگر این حقیقت را جلوی چشمان ما عریان میکند .
فرزند این بستمکار کار و زحمت ، این بردگان مالکین و سرمایه داران در راه مهاجرت از روستا ها
به شهر ها ، در جستجوی کار در گذر از آبهای خلیج ، در خیابانهای شهر های باد کرده از بیگاران ، از گرسنگی
از بیساری جان میسپارند .
آنها که زنده اند ، در بیخوله های قالی باقی کرمان و کاشان کور میشوند ، پاهایشان بر چوب بست ها
می پیچد ، غلیل میگردند ، دند آنها زنان پسته خندان کن کارگاه های سلاطین پسته صاف میشود ، کمر نیرومند
ترین عله های تازه از ده رسیده زیر کار طاقت فرمای ۱۲ ساعته در بر یا کردن قصرهای ستمگران و حاکمین خم
میشود . در توتل های تاریک و تنگ معادن ساقها عرق ریزان جان میکنند ، چند سالی بعد بیمار میشوند و
اخراج میگردند و همراه بیگاران دیگر در اسفناک ترین و درد ناک ترین شرایط در ریجا جان میسپارند .
سر زمین ما جهنم طبقاتی است : محکومین راه زنجیر کشیده اند ، زنجیرهای آهنین و سنگین که
کونست و استخوانشان را میخورد . صدای این زنجیر ها برای ستمگران نغمه های مطبوعی میسراید . با هر جرتک
جرتک آن ، سکه های طلا به رقص در می آید .
هر چقدر ظنین ضجه ها بالاتر باشد ، ستمگران سرور ترند . آنها به هنگام رفتن ناله ها ، شلاق
سیاه خود را بر گردن قربانی خسته فرود می آورند تا ضجه ها بلند شود . این نشانه ای استعمار بیشتر است .
مرگ ۳۳ کارگر معدن " طرزه " نتیجه ای این مناسبات حاکم است . آن ها قربانی امیال استعمارگران و ستم
گران حاکمند . و این را ما خوب میدانیم و زخمگستان ما هر روز بیشتر و بیشتر به این حقیقت پی میروند و برای
بر انداختن از بیخ و بن این مناسبات استعمار گرانه متشکل میشوند .
ما از زجر و غم زخمگستان رنج میبریم و اندوه و غم خود را به نیرو برای بر انداختن این مناسبات ستمگرانه
میدل می سازیم !

در چند ماهه اخیر میهن ما بار دیگر شاهد رشد اعتصابی
وسیع و سرخشانه کارگری بود . کارگران شریف و ستم
دیده ما در تحت سخت ترین شرایط اختناق فاشیستی
محمد رضا شاه ، استعمار شدید و بخصوص تشدید بهر
کسی سرمایه داری بوروکرات ، عدم وجود اساسی و شرین
حقوق دگر تیک و سند یگانی و فشار هزینه - سرسام آور
زندگی ، تسلیم شرایط ننگ آوری که این رژیم ضد کارگری
و ضد ملی برای مردم زخمگستان ما فراهم آورد نموده اند ،
سرخشانه ایستاده اند و بخاطر بدست آوردن حقوق
اولیه معیشتی و طبقاتی خود پیگیرانه مبارزه میکنند .
اعتصاب رانندگان و کتک رانندگان شرکت واحد
انئوسرانی تهران اعتصاب تاکسی رانان اصفهان
و اعتصاب کارگران کارخانه ذوب آهن اصفهان نمونه
های درخشانی هستند از تحرکی نوین در جنبش
کارگری ایران که از چند سال پیش آغاز گردیده و نشانه
های بارزی از ناراضی عمومی خلق و وضع اسف بار
زندگی توده و سیمی از زخمگستان ما است .
کارگران کارخانه ذوب آهن اصفهان از فقیرترین
اقتار روستا نشینان ایران هستند که بواسطه قسرو
در اثر نتایج " اصلاحات ارتجاعی ارضی از زادگاه
بدری خود در جستجوی کار به شهرها رانده شده و تحت
استثمار سرمایه داری بوروکرات در آمده اند (سرمایه
داری دولتی که با ربودن حاصل دست رنج کارگران به
ساختن کاخهای دولتی تقویت ارتش و سازمان " امنیت "
می پردازد ، جشن های تنگین شاهنشاهی برپا میکند از

از خلق قهرمان ویتنام پیاموزیم ، دستاوردهای عظیم جنگ توده ای او را اشعه
دهیم و همدوش او به پیشواز پیروزی های باز هم بزرگتری بر امپریالیسم امریکارویم !

بقیه شاه و ..

شروت کشور فقیری چون ایران را چنین غارت میکند . یک ماهی ساد روشن میکند که در ۵ سال آینده بالغ بر ۳۰۰ میلیون دلار سود خالص از طریق خرید گاز ایران و فروش آن به آلمان و چکسلواکی به جیب سوسیال - امپریالیستها می رود . آیا ماهیتا بین عمل اینها با امپریالیستها تفاوتی هست ؟

دیگر از خصائل بارز یک سیاست امپریالیستی در روابط میان دو کشور اینست که کشور امپریالیستی از قدر اقتصادی و " کک " های مالی خود برای تحمل سیاست های خود به کشور دیگر استفاده می نماید و در صورت عدم پذیرش این سیاست ها از جانب کشور دیگر به قطع " کک " ها اقدام می نماید . نمونه برجسته ای این شیوه کار سوسیال - امپریالیستها را میتوان در مورد چین و

آلبانی مشاهده نمود . در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در جنبش کمونیستی و کارگری اختلاف نظر های اساسی بر روی اصول بوجود آمد و احزاب کمونیست چین و آلبانی با سیاست های رونیونیستی و ضد انقلابی رهبران شوروی به مخالفت برخاستند . خروشیف مرتد برای به زانو در آوردن این کشور ها دست به اعمال فشار اقتصادی زد و بطوریکه جانبه تمام قرارداد های اقتصادی و کک های فنی خود را به آنها لغو نمود .

یکی دیگر از خصائل امپریالیستها در روابطشان با کشورهای در بند این است که از طریق " کک " های نظافتی خود میکوشند این کشور ها را هر چه بیشتر خود وابسته کنند و بدین ترتیب استقلال سیاسی را از آنها بگیرند . سوسیال - امپریالیستها شوروی در این زمینه نیز دست اندر کارند . مثال روشن این امر عملکرد سوسیال امپریالیستها در خاور میانه و به ویژه در رابطه با " کک " هایشان به مصر است . آنها ادعا دارند که حامی خلق های عربند و مصر را در مبارزات علیه اسرائیل پشتیبانی کرده اند ، در حالیکه آنها عملاً در زیر نقاب دوستی با خلقهای عرب از مبارزاتشان علیه تجاوزات اسرائیل جلو گرفته اند .

بجنگ های جنگی خود را به قیمت گزافی به مصر فروختند که در برابر سلاح های اسرائیلی تسلیح مقاومت ندارند . و با اعزام ۲۰ هزار کارشناس و مستشار به مصر عملاً ارتش این کشور را تحت کنترل خود در آورده بودند و بقدری در کنترل این کشور که خود بنزاکسی از تسلط امپریالیستها رهائی یافته پیشرفتند که انور سادات رئیس جمهور مصر بر اثر فشار توده های مردم مصر مجبور شد علناً اعلام دارد " من عروسک خیمه شب بازی روس ها نیستم " و کار شناسان و افسران ارتش شوروی را یک باره از مصر بیرون راند .

ماهیت اسیر کننده ای این " کک " های نظامی و فنی شوروی بخوبی روشن است . آنها در واقع انقلاب فلسطین و سایر خلقهای عرب را با زنجیره سیاست ها و تسلیح توسعه طلبانه ای خود در رقابتشان با امپریالیسم آمریکا قرار داده اند .

بارزترین خصالت امپریالیسم سرکوب جنبش های استقلال طلبانه و تجاوز نظامی به سایر کشورهاست . اشغال نظامی چکسلواکی در ۱۹۶۸ ، تهدید نظامی برای مقابله با انتصاب کارگران لهستان در ۱۹۷۱ ، اشغال دائمی نظامی بسیاری از کشورهای اروپای شرقی تحت پوشش " پیمان ورشو " ، اشغال مغولستان خارجی ، حمله به مرز های چین ... اینها تنها نمونه هایی از تجاوزات آشکار و تلاش های بوجانه ای سوسیال - امپریالیستها برای به اسارت در آوردن خلقهای دیگر است . تزار های نوین درست مانند امپریالیستها سیاست توسعه طلبی نظامی را در پیش گرفته اند . ناوگان های جنگی خود را به اقصی نقاط جهان روانه داشته اند . تعجب آور نیست هنگامیکه فرمانده نیروی دریائی شوروی با فخر فروشی پیشرفته ای میگوید " کشتی های شوروی در آبهای اقیانوس اطلس اقیانوس کبیر اقیانوس هند ساکن هستند و در هر کجای دیگر که حفظ منافع امنیتی کشور ایجاب کند ، سکی خواهند کرد " (تنگه از ماست) .

آیا " منافع امنیتی کشور " همان توجیه پیشرفته ای نیست که امپریالیسم آمریکا تحت نام " منافع ملی " برای تجاوز به کشورهای دیگر به کار میبرد ؟ تزار های نوین به چکسلواکی حمله آشکار میکنند و استقلال آنرا در هم می شکنند - تحت نام " حفظ منافع امنیتی " . هند تجاوزکار را تجهیز نظامی مینمایند که پاکستان را تجزیه کند باز هم تحت عنوان " منافع امنیتی " . به مرزهای چین تجاوز میکند . و معلوم نیست به چه منطقی جز منطقی راهزنان دریائی میتوان این تجاوزات را توجیه نمود ؟

یکی دیگر از خصائل سیاست های امپریالیستی اینست که ملت های دیگر را تحت ستم ملی قرار میدهند تزار های نوین بمانند اجدادشان سزمین های بسیاری را با تجاوز به خاک آنها غصب کرده اند و با دامن زدن به شونیم ملت روس سفید این خلقها را تحت ستم ملی قرار میدهند . افسران روسی مانند تمام افسران کونتا لیست به خلقهای کشورهای دیگر که با آنها رابطه دارند توهین میکنند . آنها در توهین یافران مصری تا حدی پیش رفتند که ماهانه ۸۰ فقره برخورد میان افسران روس و مصری رخ میداد .

" سیستم امنیت جمعی آسیا " وسیله ایست در دست سوسیال - امپریالیسم شوروی در خدمت به سیاست هژمونیک طلبانه و توسعه گرانه او .

آسیا برای پیشبرد سیاست تجا و کارانه ای شوروی دارای اهمیت زیاد و حتی تعیین کننده است . زیرا در آسیا که یکی از پر جمعیت ترین قاره های دنیاست چین توده ای یاسدار انقلاب جهانی قرار دارد . زیرا انقلابات در آسیا هر روز دامنه وسیع تری می گیرد . زیرا آسیا دارای بزرگترین منابع خام می باشد . زیرا در آینده میتواند به عظیم ترین بازار فروش فراورده های صنعتی بدل گردد .

جمهوری توده های چین کشور نیرومندی است در این قاره که با هتساری تمام مقابل تجاوزات رونیونیستها ایستادگی کرده و با آنها مبارزه می نماید . برای سوسیال امپریالیسم شوروی همانند امپریالیسم آمریکا که نقشه تسلط بر آسیا را در سر دارد ضروری است که در محاصره این کشور تلاش مذبحانه کند . ارتش یک میلیونی مسلح به سلاح های هسته ای در مرز های چین مستقر نماید ، هند را در تجاوزاتش به پاکستان بطور همه جانبه یاری رساند ، با سازمانهای جاسوسی رژیم چین کاری چک این سر سیردهی امپریالیسم آمریکا علیه چین تسویه ای همکاری کند .

در نقشه استراتژیکی سوسیال - امپریالیسم شوروی ، برای تسلط بر آسیا ، خاور میانه حلقه ای مرکزی را تشکیل میدهد . زیرا خاور میانه از نظر اقتصادی ، نظامی و وضع انقلابی دارای اهمیت بسزائی است . خاور میانه یکی از غنی ترین مناطق نفت خیز جهان می باشد

احتیاجات نفتی شوروی بر اثر رشد صنایع آن بطور روز افزونی زیاد میشود و طبقه حاکمی این کشور برای تامین مواد نفتی سخت در تلاش است . به ویژه بخاطر رشد نیاز کشورهای امپریالیستی غربی به نفت این تلاش همراه با رقابت شدیدی است . هزینه استخراج نفت سیبری هر بشکه ۴ الی ۶ دلار تمام میشود در حالیکه نفت خاور میانه به قیمت هر بشکه بین ۲ تا ۳ دلار میتوا

به شوروی برسد . روی این اصل سوسیال - امپریالیسم شوروی میکوشد هر طور شده به شیر لوله های نفت چنگ اندازی کند . و با اخذ نفت خاور میانه میتواند نفت سیبری را روانه بازار ژاپن .

از نظر نظامی نیز خاور میانه دارای اهمیت زیادی است . پلی است بین سه قاره ی افریقا ، آسیا و اروپا و خطوط مهم ارتباطات هوائی و دریائی از آن میگردد . تزار های کهن که رسیدن به آبهای گرم را هدف خود قرار داده بودند ، باید این روز ها سر از قبر در آورند و بسپینند که فرزند ان خلفشان چه می کوشند به وصیت نامه پدر کبیر جاه عمل به پوشانند . تزار های نوین در چند ساله ای اخیر ناوگان خود را در دریای مدیترانه شده اند " تقویت کرده اند و اخیراً نیز با بستن پیمانی با عراق کشتی های جنگی خود را تحت عنوان " دوستی و صلح " به بندر های خلیج فارس روانه داشته اند . رژیم شاه نیز در این امر سوسیال - امپریالیستها را یاری میدهد و یکی از مواد قرار داد جدید بین ایران و شوروی راه سرتاسری به بندر عباس است که از این راه شوروی قادر خواهد بود به خلیج فارس دست یابد .

استعمارگران نوین شوروی و امپریالیسم آمریکا در زمین تپانی با هم شده اند " رقابت دارند . و این رقابت دو ابر قدرت در خاور میانه جز فقر و بد بختی ، ستم ملی و آوارگی میلیونها انسان زحمتکش نتیجه ای ندارد .

واقعیت روستای ایران

تک نگاری زیر روستا مبارزی برای مافستاده که آسرا برای خوانندگان " ستاره سرخ " نقل میکیم . این نوشته بارت یگرسیمای روستاهای ایران را پس از باصطلاح " اصلاحات ارضی " نشان میدهد که مادر رستاهای قبل نیز از قلم نویسندگان دیگری ترسیم آن برداخته ایم . روستاهای ایران پس از " اصلاحات " دارای چند خصالت مشترک هستند .

۱- در این روستاها زمینهای مغروب به مالکین تعلق دارد . ۲- قدرت مامورین دولتی در این روستاها روز بروز بیشتر میشود . ۳- آنها از طریق شرکتهای کوناگون و قوانین مختلف به اخذی و استشارتندید دهقانان مشغولند . ۴- مساله کوچ کردن دهقانان از دهات به امری روزمره بدل شده . ۵- قسط ها ، بدی ها ، آب بیجا ، اجاره بها بیگاری کمی محصول ، بهره ها و جرمه های کوناگون همه چنان فشا سنگینی بدوش این زحمتکشان است که قطعه زمین خود را نیزها کرده و آواره شهرها میگردند و بدین ترتیب زمینهای آنها مجدداً توسط مالکین نوین و یا سابق تصاحب میگردد . ۶- شدت استثمار و شدت فقر و بدبختی روستائیان واجحافات و فشارهای طاقت فرسای مالکین و مامورین دولتی و ارتشی همه باعث تشدید کین و نفرت دهقانان از رژیم و رشد مقاومت و مبارزات آنان گشته است .

XXXXXXXXXXXX

" روستای ... در منطقه ... قرار دارد که مربوط به دهستانی با بیش از ۵۰ هزار نفر جمعیت میباشد . جمعیت این ده رامیتوان بد دهقانان فقیر ، میانفحال و مورفه تقسیم کرد که وضع دهقانان فقیرین بدلت استثمارچند لایه ای بسیار اسفناک میباشد . نود درصد معاملات این ده بصورت پایا یا انجام میگردد و درآمد سالانه هر خانوار بطور متوسط حدود ۵ هزار تومان است . در این ده تنها یک مغازه موجود دارد که بیشتر مردم ده به آن بد هکارند و مقابل بدی های شان ستم داده اند .

گدخد اد یک صورت سابق وجود ندارد بلکه بصورت ماسور دولت و بیشتر برای سازمان امنیت خدمت میکند . او وظیفه دارد که هر تازه واردی که به ده میآید شناسنامه او را بگیرد و ولت آمدنش را جویا شود و اطلاع بد دهد . در ضمن همین همین دستورها به سپاهیان دانش داده اند .

... و شاه مهره ای است در بازی بین ایند و ابر قدرت با توجه به این اوضاع و خصالت تجاوزگر سوسیال - امپریالیسم است که ماهیت توافق شاه با پیمان آسیائی در سفر اخیرش به سکو روشن تر میگردد . " سیستم امنیت جمعی آسیائی " هدفش تسلط بر خلقهای ستمکش آسیا گسترش نفوذ اقتصادی ، سیاسی و نظامی سوسیال امپریالیسم شوروی از طریق سلب استقلال سیاسی کشور ها ، محاصره چین توده ای و مقابله با جنبش های رهائی بخش خلقهای آسیا است .

جهان ما هر روز بیشتر به دو قطب سوسیالیسم و امپریالیسم تقسیم میگردد . مبارزات رشد یابنده خلق های سه قاره برای استقلال ملی و دمکراسی توده ای ، آنها را هر روز بیشتر به سوی کسب آزادی و استقلال و سر نتیجه به جهت قطب سوسیالیسم سیر میدهد . تنها ارتجالی ترین و ضد مردمی ترین دولت ها هستند که بیشتر و بیشتر خود را به آغوش امپریالیسم می افکنند . رژیم شاه نیز که از کوچکترین حمایتی در میان توده های مردم ایران بی بهره است ، در زمره ای این دسته میباشد . یکروز پیمان خیانت آمیز فروش منابع ملی را امضا میکند و روز دیگر به فکر پیمان " امنیت آسیا " با تزار های تازه به دوران رسیده می افتد . و بدین ترتیب علاوه بر خیانت مد اوم به خلقهای کشور ما با هم پیمانی با دشمنان قسم خوردن خلقهای ستم دیده در نقشه ها و سیاست های خائنه شان مشتاقانه سهم میگردد . اما منطبق خلق ما روشن است . سیاست دلال بازی و معاطله گری با هر نوع امپریالیستی در خدمت آنها و محکوم به شکست است . در اوضاع کنونی جهان سیاست صحیح و استقلال طلبانه ، سیاستی است علیه دو ابر قدرت - یعنی امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم شوروی ، سیاستی است که در درجه اول به نیروهای خلق خود انگا می نماید . رژیم شاه از یکسو خود را به دامان دو ابر قدرت انداخته و از سوی دیگر روز به روز در میان مردم مغرور تر میگردد . دوران ما دوران شکوفائی قدرت خلقها است . این بیولتاریسم و خلقهای ستم دیده اند که خشمگین و مصمم به یا مسی خیزند و طومار هر " پیمان " هر نقشه و سیاست امپریالیستی را در هم می پیچند .

از نظروضع غذا او بهد اشت وضع اهالی خیلی بد است . در این ده حتی دهقانان مرفه امکان خوردن گوشت برایشان وجود ندارد و اگر فصل خوبی برای محصول باشد شام و نهار را لوبیا و عدس بازمیکند . دهقانان فقیر غذا همده شان نان جو و بلوط است که نان را خود شان میزند و بلوط را از جنگلهای اطراف میآورند . در این دهستان بیش از ۵۰ هزار نفر تنها یک سیاهی بهد داشتند و دو دستارهست کسبهای مذکور بوئی از انسانیت نبرده . مثلاً میول را از تهران ، ۱۰ ریال میخرند و آنرا بدنه مقابل یعنی ۱۰۰ ریال تزیق میکنند . انواع امراض بخصوص تراخم را در این ده میتوان دید و سالی یکی دو بار هم و با میآید و بده ای را از بین میرد .

در این ده " اصلاحات ارضی " انجام شده ولی بیشتر زمینها بخصوص انواع مغروب آن به مالکین تعلق دارد . در اوضاع فعلی دهقانان بقدری در ستم بندند که رقیامه با قبل وضع سابق راترجیح میدهند زیرا میکوشند در آن موقع " امکان داشت ارباب در فصل خشکالی یا متلاوتی زخم مریض میشدند بملکک کند و بعد در موقع برداشت محصول از ماهزینده اش را بگیرد ولی اگر حالا چنین اتفاقی بیفتد همه ماحکوم بمرگم " . یکی از دهقانان وضع سابق را با حال در این یک جمله خلاصه میکند : " قبل از اصلاحات آزادی داشتیم ولی امنیت ند داشتیم در صورتیکه حالا " امنیت " داریم ولی آزادی ند از (منظور او امنیت کک خوردن از ارباب است) . چنانچه زمینها مختلف از دهقانان بول میگردد و زمین ها شان را پس میگیرند در سال قبل من شاهد بودم که سندی از یک دهقان بعنوان اینکه ۵۰ تومان بتوقرض میدهم گرفتند و وقتی فردا سرزمین برکتند بدید و نفریایک مامور سرزمینش استاد ماند و نمیدانند روی آن بیروند . بعد که علت را پرسید گفتند طبق سندی که انگشت زده ای دیگر هیچ حقی روی این زمین نداری ، البته تاریخ ستم را هم در سال پیش گدشته بودند) و بعد که اعتراض کرد کک مصلی باورند و واژه بیرون انداختند . کارگر کشاورزی در این ده کم است و کوچ کردن دهقانان به شهر سو فوری دیده میشود . وقتی که با یکی از آنها صحبت میکردم اینطور استلال میگردد که در تهران عملی میکنم روزی هفت تومان در میآورم ، خودم را با یک تومان نان و خراماسیر میکنم و میتوانم ۶ تومان بقیه را برای خانواده ام بهد بفرستم بعد از " اصلاحات ارضی " تنفر مالکین و دهقانان نسبت بهم زیاد تر شده است و در ضمن دهقانان تفرقه بینی هم نسبت به مامورین دولتی پیدا کرده اند . دهقانان بهیچ وجه ۲٪ مالیات برای عمران " را با میل نمی برد ازند بلکه زور از آنها گرفته میشود .

دیگر از مسائلی که باعث تفرقه بین دهقانان از مامورین دولتی شده است قسطهای مختلفی است که باید بپردازند . دلش هم ایستد که دهقانان بدلت قهرمانی خود مجبورند قرضهایی با بهره ۶٪ از شرکت تعاونی بگیرند و با وضع موجود در روستائیان قادر نیستند قسطهای سالانه را بپردازند و در این موقع استکه دلالان پیداایشان می شود و قسط روستائی ها را می برد ازند و در مقابل برای سال بعد بهره ۱۲٪ از او مطالبه میکنند . روستائی نیز باید یازند ان را انتخاب کند یا بهره ۱۲٪ را .

سال قبل برای جشن های ۲۵۰۰ ساله روستائیان این ده را بزور و تهدید به مرکز دهستان بردند و بهرگد ایگفته بودند که یک من گند بو . ۲۰ تومان بول هم میآورند که یکبخته جشن است و این بیچارها برای اینکه روز موتود بهمرکز برسند از دو روز قبل راه افتاد بودند و در مجموع بیش از ده روز طول کشید و از این بابت ضرر زیادی به آنها وارد شد .

سال قبل بر اثر سرما غده های از بچه ها تلف شدند . دهقانان قدرت خرید نفت لتری ۲ ریال راندند و به وسیله همزم که در جنگلهای کنار دهکده جمع وری میکنند خود شان را گرم میکنند . با رسال طبق یکی از اصول کیف دواز گانه که بخاطر " حفظ و نگهداری منابع طبیعی استاز بریدن درختان بوسیله مامورین دولتی جلوگیری میکنند وحتود سؤ تیوانند از بد دهقانان داشتند . با وجود این دهقانانی که دیگر کاسه صبرشان لبریز شده بود با وجود خطرات به جنگل میرفتند و همزم می آوردند .

چنین است واقعیت روستاهای ما . ما باید به این واقعیات احترام بگذاریم . تبلیغات و روغ های شاه را در مورد " اصلاحات ارضی " بازم بیشتر برملا کنیم . روز - یونستهای حزب توده و رفرمیستها و تسلیم طلبان را که تصورات واهی در باره " اصلاحات " رژیم اشاعه میدهند افشا نمائیم . واقعیات در این روستا بار دیگر این اصل مارکسیستی - لنینیستی را که آزادی توده ها تنها و تنها بدست خود شان و در کرم مبارزاتشان حاصل میشود به اثبات میرساند .

خلقهای ایران علیه امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی مبارزه کنید !

ستاره سرخ و خوانندگان

مجله ای که انتشار خود را آغاز کرده باید بخوبی و با جدیت تمام ادامه یابد . این مسئولیت هم بر عهده ی کارکنان مجله و هم بر عهده ی خوانندگان است . این نکته حائز اهمیت فراوان است که خوانندگان نظریات خود را ابراز کنند نامه و مقالات کوتاهی بنویسند حاکی از اینکه چه چیز آنها را خوشایند است و چه چیز مورد پسند آنها نیست . این پیکانه تضمین موفقیت مجله است . (ماثو تنسه دون)

ما در زیر سه نامه در باره ی شکل و نشان با لای ستاره سرخ انتشار می دهیم . در باره آنها اظهار نظر نمیکنیم . این وظیفه را به تمام خوانندگان خود واگذار می نمائیم . و از همه آنها تقاضا داریم که ما در این مورد کمک نمایند - یعنی نظرات خود را در باره شکل ستاره سرخ و بخصوص نشان سرخ رنگ بالای آن بنویسند .

خواننده ای ضمن اینکه از انتشار ستاره سرخ اظهار خوشحالی میکند و بر روی وظیفه خطیر آن یعنی وحدت دادن روشنفکران و تربیت آید ثلوثیک آنان در رابطه با مسائل ایران تأکید میکند ، در مورد شکل ستاره سرخ چنین مینویسد : " با ماشین تصادف کردم پلیس و آمبولانس آمد و مرا به بیمارستان منتقل کردند . در آنجا هنگامیکه میخواستند مرا در تخت خواب بخواهند لباس هایم را در آورند و جیب هایم را مورد بررسی قرار دادند تا محتوی آنها را در کیسه های جداگانه تفکیک کنند در یکی از جیب هایم ستاره سرخ بود و مایل نبودم که پلیس و دکتر و پرستارها متوجه شوند که من نشریه کمونیستی دارم چون در شرایطی قرار داشتم که مخفی کاری لازم بود . ساله ای که میخواستم بگویم اینست که آنها مطلب ستاره سرخ را نمی توانستند بدانند مگر از طریق داس و چکس آن . خوشبختانه آن جیبم را بررسی نکردند و من هم در حالیکه خون از سر و رویم جاری بود نفس راحتی کشیدم . پس از این اتفاق مدتی است که فکر میکنم این نشان ستاره سرخ به مخفی کاری لطمه میرسد "

بقیه کارگران . . .

از طرف شرکت واحد وزارت کار و سندیکای قلابی کارگران به آنها حمل شود . اعتصاب یک پارچه و وسیع کارگران رهبرها سخت بوخت انداخت تا آنجا که رئیس شرکت شهر د ارتهران و رئیس اتحادیه قلابی کارگران مجبور شدند با دست باجگی همان شب اعتصاب صاحب را در یو تلویزیونی ترتیب دهند و اعتصاب را " غیرقانونی " (بر علیه " قانون مقدس " انتشار کارگری) اعلام کنند . " نماینده " قلابی کارگران در مقابل حرکت یکپارچه توده خشکین کارگران اعتصاب کننده همراه هیئت مدیره اش بیشتر مانده و در همین حال مذبحخانه) در زمانی که همه کارگران اعتصاب کرده و بخانه رفته بودند مجبور شد که اعلام کند " نماینده واقعی کارگران است و آنها خودشان او را انتخاب کرده اند . " رژیم سرمایه داران و قوود الهی برای درهم شکستن مقاومت یک پارچه کارگران بلافاصله رانندگان ارتش سازمانهای دولتی را برای راندن انجمن های شرکت واحد فرستاد . پس از شروع اعتصاب و در جریانات بعدی آن سازمان " امنیت " ۲۰ نفر از فعالین اعتصاب را بعنوان " اخلالگر " دستگیر و به زندان فرستاد . رژیم با این عمل خود بوضوح بار دیگر به هم نشان داد که با وجود تمام تبلیغات عوام فریبانه اش در مورد " رفاه کارگران " " سهیم کردن کارگران در سود کارخانجات و مگرسی اقتصادی و اجتماعی " زمانیکه رطل باخواست حق طلبانه توده های زنجیر کارگرمواجه میشود با فرستادن رانندگان ارتش و دولت ماهیت اعتصاب شکن و استثمار گرانه خود را هرچه بیشتر نمایان میسازد .

مبارزات طبقاتی بهترین آموزشگاه برای تعالیم اجتماعی هستند . کارگران شرکت واحد در چند ساله اخیر و در طی تجربه مبارزاتی خود شان بخوبی به ماهیت قلابی اتحادیه های مزد سی برد و اعتصاب اخیر و افراد شدید رئیس و هیئت مدیره سندیکا از کارگران گواهی این امر است . این اعتصاب همچنین نشان داد که با وجود تمامی شرایط سخت ماهیت زود اتحادیه و نفوذ سازمان

" انقلابات ۱۲ گانه آریا مهربی " را درک میکنند . دهقانان در بند ما که در تبلیغات آریا مهربی به " آزادی " بدنام شده اند می بینند که چگونه بجای دریافت زمین و آب و تسهیلات و ده داده شده در بند های بیشتری گرفتار شده اند . زندگی روزمره آنها در جدال و مشاجره با مامورین وصول اقساط ، پلیس آب پلیس جنگل و ژاندارمها میگذرد و تبلیغات رژیم هرچند هم رنگ و روغن زده باشد نمیتواند آنان را فریفته سازد . کارگران ما که حتی از کسب حد اقل معیشت خود عاجزند ضحکه " تقسیم سود سهام را که سالانه به صد تومان هم نمی رسد و تازه در صد کوچکی از آنها را در بر میگیرد ، بهتر از هر کس دیگری می فبند . آنوقت این جامعه زحمتکاران جشن های دو هزار و پانصد ساله را با آن خرج های گزافی می بینند و در مقابل آن هزاران هزار روستائی زلزله زده و سیل و قحطی زده را که از بی نان و بی خانمانی آواره بیابان ها هستند را مشاهده میکند . چه کسی اینهمه تفاوت را میتواند نادیده بگیرد ؟ چه کسی میتواند ادعا کند که کوه قالیبافی کمروزی دریا مزه میگیرد و ۲۴ ساعت در کارگاههای تاریک و نمناک کار میکند میتواند با سیستم سازش شد و کنار بیاهد ؟ چه کسی میتواند ادعا کند که فلان دهقان که هنوز از هسته خرما سد جوع میکند و یا فلان کارگر که نان کافی برای سیر کردن شکم خانواده اش را ندارد ، میتواند با علم ها و اقبالها که از فرط فقر و محرومی و از شرم غرق جبین زحمتکاران فریفته شده اند " سلامت و همکاری " کند . چنین سازشی غیر ممکن است و اینرا هم زحمتکاران میدانند و هم رژیم . بهترین گواه اینست که مردم ما به مبارزات خود ادامه داده و هرگز با دشمن خود کنار نیامده اند و از طرف دیگر رژیم هم با تمام قوا سعی در سرکوب و نابودی آنان نموده است . رژیم که ادعا دارد کسب و کار را تعاونی نموده و برادری برابری را مستقر کرده است چه احتیاجی دارد که پلی بودجه سلطنت را صرف ارتش پلیس و سازمان " امنیت " کند ؟ آیا اینهمه تجهیزات نظامی صرف چه میشود ؟ جز سرکوب همان مردمی که دولت مزورانه سنگشان را به سینه میکوبد آیا اینهمه زند انبهای بی عرض و طویل و دستگاہهای " امنیتی " جز فرزند ان خلق خلاق چه کسی را به زنجیر کشیده است ؟ همه آنها خود گواه بیدادگری طبقات حاکم و مبارزهای آشتی ناپذیر از طرف طبقات محکوم بر علیه آنهاست .

این جبر تاریخ است که ستارگان توسط ستم گران نابود شوند . برده ها برده داران را سرنگون ساختند و دهقانان برای نابودی مالکین قوود ال مبارزات عظیمی نمودند و اکنون نیز طبقات ستمدیده جامعه ما یعنی پرولتاریا دهقانان خرده بورژوازی و بورژوازی ملی برای سرنگونی طبقات ستمگر یعنی قوود الهی کبیادورها و اربابان امیرالهیست آنان صف آرائی کرده اند . بدین ترتیب سرکوبها و تلاشهای مذبحخانه رژیم برای جلوگیری از این حرکت تاریخی شری نخواهد داشت و زحمتکاران ما نه تنها در مقابل فشارها و سرکوبی های دستگاه حاکمه از پای نخواهند نشست بلکه با دست پای هر چه بیشتر و عمیقتر به ثوری انقلابی مارکسیسم - لنینیسم ساندیشه ماثو تنسه دون ، مبارزات طبقاتی خویش را به پیش خواهند راند .

مارکسیسم انقلابی ، علم رهائی پرولتاریا مهر خود را به مبارزه طبقاتی جامعه ما زده است . از هفتاد سال پیش که اولین هسته های مارکسیستی بین کارگران ایرانی بوجود آمد ، میهن ما تحت نفوذ جنبش کارگری و افکار انقلابی مارکسیستی بود . در اوضاع کنونی مارکسیست لنینیستها بدون شک باز هم پیشرو خود را به این علم مسلح ساخته و در برهاتک جنبشهای توده های آنرا با شرایط مشخص جامعه ایران تلفیق داده و شرایط را برای ایجاد حزب کمونیست ، این ستاد فرماندهی طبقه کارگر فراهم خواهند آورد . و در پرتو اندیشه های مارکس - انگلس - لنین - استالین و ماثو تنسه دون انقلاب مکرراتیک نوین را در جهت برانداختن امپریالیسم قوود الیسم و سرمایه داری بوروکرات به سر انجام رسانده ، با انقلاب سوسیالیستی ادامه داده و بالاخره با ساختمان سوسیالیزم و ارتقا آن به کمونیسم برای همیشه به طبقات و مبارزه طبقاتی و به استثمار انسان از انسان خاتمه خواهند داد .

نشانی توده و ستاره سرخ

آدرسیتی ما :
Mme. Paola di Cori
C.P. 493 S.Silvestro
ROMA ITALY

بقیه مبارزه طبقاتی . . . با تجاوز همه جانبه خود یکسور ما متحد شدن با حاکمین قوود ال شرایط نوینی را در جامعه ما بوجود آورند . به این معنی که از یکسو با صدور کالاهای ساخته شده خود اقتصاد خود کفایتی جامعه روستائی ما را تنه " تلاش ساختن و شرایط را برای رشد سرمایه داری فراهم آورند و از سوی دیگر با تکیه به قدرت قوود الهی بازار هارا در دست گرفته مانع رشد سرمایه داری ملی گردیدند . بدین ترتیب جامعه ما از رشد طبیعی خود خارج شده و به جامعه ای نیمه مستعمر - نیمه قوود ال که در ارای صورت بندی بخرنجی است تبدیل گردید . بخرنجی آن اینست که چند طبقه در مقابل چند طبقه دیگر قرار گرفتند . بورژوازی کبیادور (سرمایه داران بزرگ و بوروکرات) و مالکین قوود ال در یکطرف بعنوان ستمگران و حاکمین - پرولتاریا دهقانان خرده بورژوازی شهری و در طرف دیگر بعنوان ستمدیدگان و محکومین همچنین بورژوازی ملی بمشابهه طبقاتیکه دارای تضاد های خود با امپریالیسم و طبقات حاکمه است قرار دارند .

کارگران ما تحت استثمار و ستم شدید طبقات حاکم قوود ال و کبیادور و اربابان امیرالهیست آنها قرار دارند آنها مالک هیچکدام از وسائل تولید نبوده و تنها با فروش نیروی کارشان امرار معاش مینمایند در حالیکه کلیه صنایع و تولیدات ما که ساخته دست زنجیر آنان است در مالکیت مشتق فقر و محرومی و در وطن فروش میماند . دهقانان نیز پس از " اصلاحات ارضی " نه تنها تحت ستم و بهره کسی مالکین و رباخواران سابق اند ، بلکه توسط مالکین نوین (مباشرین و کدخدایان) دستگاہهای بوروکراتیک دولتی بانکها و شرکت های خارجی چابیده میشوند . ما به داران کوچک و متوسط هم در اثر وطن فروشی طبقات حاکم و استیلای سرمایه و کالاهای امپریالیستی رشد نکردن ممالما رو به ورشکستگی میروند . در این دوران نیز مانند گذشته طبقات تحت ستم ساکنین ساکت ننشسته و با مبارزات پسر دانه خود تاریخ میهن ما را بجلو رانده و میروند تا در آن درگونی عمیقی بوجود آورند . جنبش تینباکو انقلاب بشری قیامهای جنگل و بعد از آن راهبان و کردستان انصاف های عظیم کارگری در سالهای دهه ۱۳۲۰ مبارزات بزرگ ملی کردن صنایع نفت در سراسر کشور و استقرار حکومت ملی دکتر مصدق قیام اخرداد قیام خلق کرد در سال ۴۷-۴۶ و اعتصابات و مبارزات اخیر نمونه هایی از این جنبش عظیم خلق محسوب میشوند . خلقهای ما طی این مبارزات وسیع مردم مبارزه علیه بیدادگری و جیاد و افراشته نگاه داشته و بار دیگر بر این حقیقت جهان شمول که تاریخ مری از مبارزات آشتی ناپذیر محکومین علیه حاکمان است صحه گذارده اند .

در اوضاع صافند کنونی که خلقهای سراسر جهان به خاطر رهائی نهائی خویش با خاسته و همای آن جنبش خلقهای میهن ما در حال نضج گرفتن است رژیم شاه مذبحخانه میکوشد از آگاه شدن توده ها به نقش و ران ساز خویش جلوگیری کند . رژیم میداند که اگر توده ها به ثوری مبارزه طبقاتی به مارکسیسم لنینیسم - اندیشه ماثو تنسه دون دست یابند بچنان نیرویی تبدیل خواهند شد که اساس سلطنت پهلوی را برای همیشه درهم خواهند کوبید . لذا سعی در این دارد که با طرح تزهائی مانند " تعاونی شدن کشور " لزوم سازش و همکاری بین کارگر و کارفرما مالک و زارع " وحدت ملی " و پیوند شاه و مردم " آشتی ناپذیری منافع و مبارزات طبقات ستمگر را با طبقات ستمکین لوت کند . رویزینویستهای خائن حزب توده ایران نیز در این میان با رژیم هم آواز شده از انگا " تحول سلامت آمیز " جوامع راه رشد غیر سرمایه داری عدم لزوم انقلاب قهرآمیز صحبت میکنند . آنها حیوانانه از طبقات دم میزنند ولی آشتی ناپذیری طبقات مشخص و مبارزه طبقاتی را نفی میکنند و بجای آن آشتی طبقاتی را تبلیغ میکنند . قبول طبقات و مبارزه طبقاتی اگر تا حد قبول اینکه مبارزه طبقاتی منجر به جنگهای طبقاتی میگردد پیش روی تعریفی در مارکسیسم بوده عملا پرولتاریا را در برابر تجاوزات طبقات استثمارگر خلق سلاح میکند . مارکس و انگلس در " مانیفست " تأکید میکنند که کمونیستها تنها از طریق و ازگون ساختن نظام اجتماعی موجود از راه جبر میتوانند به هد قهایشان دست یابند (تکیه ازماست) . لیکن تلاشها و تبلیغات رژیم و رویزینویستهای خائن حزب توده برای مخدوش کردن این حقیقت شری نخواهد داشت . زحمتکاران ما استثمار و ستم طبقاتی را با پوست و گوشتشان لمس میکنند . کارگران و دهقانان ما زیر فشار فقر ، مرض بیکاری و گرسنگی بهتر از هر کس معنسی

از آنجا که بورژوازی و دشمنان پرولتاریا سالیهاست تبلیغات وسیع ضد کمونیستی در میان مردم انجام میدهند و حقانیت این آید ثلویزی پیشرفته را با تبلیغات سوخود لوت میکنند ، اقشار وسیعی از توده های نا آگاه تحت تاثیر این لجن پراکنی های ارتجاع هنوز در مقابل واژه " کمونیسم " آرم " داس و چکس " (وحدت کارگران و دهقانان) حالتی عکس العملی دارند . در صورتیکه وقستی توده ها به محتوی و حقیقت این آید ثلویزی آشنائی پیدا میکنند علاقه و احترام بسیاری نسبت به آن احساس کرده و با شور و شوق به آموزش آن روی میآورند در دو سال و خرده ای که از انتشار " ستاره سرخ " میگذرد این نشریه توانسته است به مقدار زیادی به هدف خود که " اشاعه مارکسیسم لنینیسم - اندیشه ماثو تنسه دون در میان وسیع ترین قشرهای روشنفکران خارج از کشور " است نزدیک شود و با در نظر گرفتن سطح سیاسی این توده های وسیع نگارش باید . مقالات نقطه نظر ها و ستم گیری و تحلیل های " ستاره سرخ " در میان توده های زیادی راه باز کرده و آموخته بوده است . لیکن آرم چشم کبر و برجسته آن در مرحله اول با سطح سیاسی یک خواننده ای تازه هم آهنگی نداشته و خواننده جوان احساس جدائی از این علامت (که بنظرش بر طمطراق است) مینماید . بنظر میرسد اگر بتوان علامت داس و چکس را از سر تیتر " ستاره سرخ " حذف کرد و تنها نام نشریه و نقل قولی از آموزگاران پرولتاریا را گذاشت و آید ثلویزی پرولتری را از طریق مقالات و نقطه نظر های مارکسیستی - لنینیستی ، آن به میان توده ها برده شود ، آید انتخاب شده است که بیشتر ماضی و هد فستاره سرخ " سازگار است

شکل فعلی " ستاره سرخ " خیلی جالب و خوب است . به کرات دیده شده که احیانا اگر روی میزی در منزلی ، در جمع عمومی و در مغازه ای چندین روزنامه کنار هم گذاشته شده اگر " ستاره سرخ " هم باشد افراد تازه وارد اول به سوی آن رفته و آنرا برداشته و ورق می زنند . این را من چندین بار به چشم خود دیده ام . فرد تازه وارد ، کسی که مثلا در جایی عام و یا در منزلی جشن به روزنامه میافتد در مرتبه اول بخاطر خطوط سرخ آن متوجه روزنامه میشود و در درجه دوم بخاطر علامت داس و چکس ستاره به محتوی آن می میرد و با رغبت به طرف آن کشانده شده و مشغول مطالعه اش میشود . در تبلیغ مرام و پیشبرد عقاید باید از همه حواس پنج گانه (در صورت امکان) استفاده کرد !

" امنیت " رهبری آن ، در زمانیکه اعتصاب بر اساس خواست های حق طلبانه کارگران و با شرکت وسیع آنان صورت گیرد در درون همین اتحادیه " زرد هم اعتصاب بره می افتد و رهبری اتحادیه و سازمان " امنیت " متصرف تر میشوند و عملا برای جلوگیری از رشد مبارزه کاری نمیتوانند بکنند برگزاری اعتصاب در تحت یکسی از سخت ترین شرایط اختناق رژیم بارد دیگر بدستی نشان داد که مبارزاتی که در رهبرگنده " خواستهای راستین توده های وسیع است ، توده ها را به مبارزه متشکل و متحد میکنند در تحت سخت ترین شرایط اختناق قابل وسعت گرفتن و نیل به پیروزی است .

مبارزات وسیع کارگری در چند ماهه اخیر بار دیگر تحرکی نوین در جنبش کارگری ایران را که از چند سال قبل آغاز گشته است نشان میدهد . نشان میدهد که پرولتاریای رزنده و سرسخت ایران با وجود شرایط اختناق و عدم دسترسی بوجود نداشتن امنیت اقتصادی و اجتماعی با وجود کمی تعداد نسبت به کل جمعیت و یانسیون ستاد رهبری کننده اش بخاطر ماهیت طبقاتی اش بخاطر محیط کارش چه زود متشکل میشود و سازمان میگردد و منبسط و متحد مبارزه میکند و چه با کوچکترین حرکت توده ای اثر ارتجاع را به وحشت می اندازد . از سوی دیگر تجربه مبارزات طبقه کارگر نشان میدهد که رشد جنبش کارگری و رهائی پرولتاریا در گرو پیوند آن با جنبش دهقانی و ایجاد ستاد رزنده خود حزب کمونیست و انجام ظرفیت آنست انقلاب مکرراتیک نوین میباشد .

رشد و توسعه مبارزات کارگری و سایر مبارزات توده ای بار دیگر نقش و اهمیت ستمگری اساسی سازمانهای انقلابی و مارکسیستی لنینیستی و روشنفکران انقلابی را بسوی یادگیری و پیوند با این جنبشهای توده ای در شهر و روستا برجسته میسازد . پیش سوی پیوند با جنبش های توده ای کارگران و دهقانان ! به پیشواز مبارزات درخشان طبقه کارگر ایران رویم !

شش بسوی پیوند با جنبشهای توده ای

زنان آلبانی

برولتاریا و خلق قهرمان آلبانی سی و یکمین سالگرد تاسیس حزب کار آلبانی و بیست و هشتمین سالروز آزادی کشور خویش را با شادی و سرور جشن میگیرند. ما نیز همای برولتاریا و خلقهای سراسر جهان خود را در این شادمانی سهمین میدانیم و از پیروزیهای درخشان کمپوز کوچک در غلبه بر دشمنانی بزرگ چون فاشیسم ارتجاع داخلی و ریزیزینسم غرق در مستریم. پیروزی انقلاب آلبانی بار دیگر ثابت کرد که کشوری هر قدر هم کوچک باشد چنانچه انقلابی آن به توده های مردم خود تکیه کند حزب کمونیستی راستینی بوجود آورند که در تلقین اصول مارکسیسم - لنینیسم به شرایط مشخص بافتاری کند قادر اند بر دشمنان خود هر قدر هم پر قدرت باشند پیروز گردند.

دستاوردهای انقلاب و حزب کار آلبانی آنقدر وسیع و غنی است که میتوان در راه یابی بسیاری از مسائل انقلابیون ایرانی را یاری دهد. در اینجا با توجه به پیشرفتهای چشم گیر جنبش زنان در این کشور و وجوه تشابه جامعه پیشین آلبانی با جامعه کنونی ما به بررسی مختصری از نقش زنان در جامعه کنونی آلبانی می پردازیم.

جامعه آلبانی قبل از آزادی مانند کشور ما تحت تسلط و نفوذ فئودالها و سرمایه دارها بود زنان این کشور علاوه بر آنکه تحت استثمار و بهره کسبی طبقات حاکم قرار داشتند در قید روابط خانوادگی پدر سالاری و قوانین و رسوم پوسیده و خرافاتی اسیر بودند. تا اینکه حزب کار آلبانی با رهبری راستین خود توانست آنان را به نقش پر اهمیت خویش در تغییر و ساختمان اجتماع واقف سازد. بدین ترتیب زنان آلبانی با آگاهی بر این واقعیت که رهائی آنان از قید اسارت و ستم چند لایه ای در گرو رهائی جامعه از استثمار و استثمار می باشد، بپا خاستند و بسا

عمومی کودکان کستان های دولتی، لباس شوییها و فروشگاهها ها امر خانه داری را برای زنان تسهیل نمود و بدین ترتیب شرایط را برای شکوفایی خلاقیت توده های عظیم زنان در کار تولیدی و فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایجاد کرد.

امروز زنان آلبانی به نیروی شگرفی در انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم تبدیل شده اند ۱۸ درصد نمایندگان مجلس، ۳۶ درصد اعضای دادگستری شهروده و اکثریت کارگران کارخانجات نساجی، غذایی و موسسات بهداشتی را در بر میگیرند. علیرغم دوران پیش از انقلاب که ۹۰ درصد زنان بیسواد بودند امروز آنان از حد اقل ۸ سال تحصیل برخوردارند. تعداد زنان مهندس به ۵ برابر و زنان دکترا به ۲ برابر در مقایسه با دوره قبل از آزادی افزایش یافته است. بدون شک زنان مبارز آلبانی با کوششهای بی گیر خویش تحت رهبری خردمندان حزب کار آلبانی در استقرار آینده ای تابناک برولتاریا و خلق خویش نقش موثر و مهمی را ایفا خواهند نمود.

زنان رزنده ای ایران نیز در تاریخ مبارزاتی خلق های ما نقش برجسته ای داشته اند و همواره دوش به دوش مردان در مبارزه علیه دشمنان خلق به اشکال گوناگون شرکت جسته اند. ما ایمان داریم که زنان کشور ما با روحیه ای رزنده و سنت شکن، با الهام از سنن انقلابی تاریخ پر افتخار خلق و با آموزش از جنسها خواهران مبارز آلبانی و کشورهای دیگر بپا خواهند خاست و با شرکت در مبارزات توده ای خلقهای ایران علیه امپریالیسم و رژیم شاه در راه استقرار جامعه ای دموکراتیک نوین که پیش شرط آزادی نهایی خلقهای ما و آزادی زنان ایران است کام بر خواهند داشت.

خواننده ای بیا مینویسد:

این روزها صحبت به اصطلاح "انتخابات" اصناف است. دولت سند یگانه ای درست کرده برای هر صنف یک چیز هم به اسم "شورای داورسی". آخرین انتخابات مربوط به تاکسی رانهای تهران بود. پای درد دلشان بنشین و نشین و دانشان بلند است. مقدار زیادی از آنها پول گرفته اند بنام "ودیعه" و آنرا در یک "جاشی" جمع آورده اند که هر وقت هر کسی بی پول شد بود و قرض بگیرد! هفته ها دوندگی لازمت تا بتوانند از پول خودشان قرض بگیرند. اما اصل این پول کلان ۲۲۰ طولاً تومان در کجا سرمایه گذاری شده و چه کسی از آن مسی خورد معلوم نیست. میگفت مجبورند روزی دو تومان به بردارند. به کوچکیترین بهانه "کارنامه" شان که نویسی اجازه می رانندگی است از آنها گرفته میشود. بار پیش سرگرد "م" کارنامه هایشان را گرفت برد در فلان نقطه که به ... رای بدهند برای شورای داورسی اصناف اما وضع انتخابات نماینده ای صنف خودشان بدتر بود. میگفت "من اصلاً اسم آن طرف را بلد نیستم. بالاخره این کسی که بعنوان نماینده می انتخاب میشود چه کسی است؟ کاغذ ها را لوله کردند و بنام ما در صندوق ریختند که نماینده انتخاب کرده اید. این بساط ظلم تا کی باقیست؟ پول ما را خوردند ماشین را توقیف کردند رقم بازرسی شاهنشاهی شکایت کردم گفتند "رجوع شود به نخست وزیر" ولی تمام این بازی ها که اصلاً مال نخست وزیر است. خوب معلوم است که در ما را دوا نیکند.

یک راننده دیگر میگفت: "این کسی را که میخواهند نماینده ما بکنند اصلاً تاکسی ران نیست بلکه یک جاهل است که تعدادی بزن بهادر دارد و سرش با بالا توی یک آخور است. او یک سرهنگ که نماینده ی شهبانی است با هم میخورند و میترسانند تاکسی رانها میخوانند

خلق را در قدرانی عمیق روستائیان محروم و زجر دیده ما موقعی که سیاهی صادقی و با انصافی به آنها خدمت میکند می بینیم. تجلیل توده های خلق را در ستایش از بهرینگی ارانی و روزه، حیدر صوابی و ده ها روشنفکر گشایی که در رساله های اخیر به "آموزش" و "تشویق" های محمدرضا شاهی پشت کرده اند و برای آموزش واقعی اجتماعی بهمان زحمتکشان رفته اند می بینیم که برای همیشه در دل خلق های میهن ما جای دارند و حماسه انسانی آنها سینه به سینه در میان توده های مردم جاودان خواهد بود.

صهارزه توده های وسیعی از روشنفکران میهن بخاطر آزادی بیاید مکرانیک و ایجاد شرایط زیست انسانی مبارزه با خفقان فرهنگی و اجتماعی و پشتیبانی از مبارزات عادلانه خلق و سمت گیری نوین در خدمت به زحمتکشان خود. گواه اینستکه توطئه های رژیم و سیاستهای گوناگون او در مورد بسیاری از روشنفکران شکست انجام میدهد و توده های وسیعی از روشنفکران بیدار دل ما تشویق های رژیم را چون تخی به صورتی اندازند و در مقابل تمبیهاتش کینه بدیل میگیرند و به نیرو برای مبارزه تبدیل مینمایند و شجاعانه هم در زحمتکشان و سایر اقشار خلق مبارزه علیه طبقات حاکم امپریالیسم را به پیش میرانند و بی شک حکومت فاشیستی شاه را ناپود خواهند کرد.

ادبیات و هنر علیه سانسور و اختناق تحمیلی رژیم شوریه با وجود کمبیشکلاتند ای آزاد خواهی و مقاومت را بگوش مردم میرسانند.

مبارزات تمام این اقشار نشانه وسعت و مقاومت روشنفکران در برابر دستگامحاکم می باشد. در این میان بخشی از روشنفکران میهن بخصوص رساله های اخیر در جهت شناخت، یاد گیری و خدمت به توده های زحمتکش در حرکت است. همبستگی عمیق دانشجویان با زلزله زدگان و شرکت در رسانیدن کمک به آنان و کمک دانشجویان به سبل زدگان جنوب شهر تهران، پشتیبانی از اعتصاب تاکسی رانان، کارگران اتوبوسرانی و سایر کارگران، کمک به قحطی زدگان بلوچستان کعشی بعد بیرون ها همبستگی شد، انجام تحقیق و بررسی از وضع روستاها و دهقانان نوشتن مقالات و استانیها میروم زندگی زحمتکشان روستائی و افشا، ستم و استثمارهای که بر آنها وارد میشود، همواره نمونه هایی از عشق و علاقه روشنفکران بیدار دل ما نسبت به زحمتکشان شهر و روستا و ستگیری و حرکت بسوی خدمت و پیوند با آنان است. حرکتی که در زندگی روشنفکران ما نیز توده های چون صد بهرینگی و شریف زاده دیده میشود که اولی زندگی پر افتخار شهادت ریحان خلق خود روستائی آن را بجان داد و خدمت به آنها گردانند و دومی بخاطر رهائی خلقش در کردستان دست به اسلحه برد و چون پیشمرگه ای مبارزه کرد و در راه آنها شهید شد.

این فداکاریها مبارزات، ستگیری بسوی زحمتکشان شرایط را برای بیعودن راه دیگری که برولتاریا در برابر روشنفکران می گذارد، فراهم آورده است. راهی که در آن روشنفکران تعنتهاست به تسلیم و ناپودی نمند هند بلکه با پیوستن به نیروی بالقوه نیرومند و پیشرو اجتماع خلاقیت و توانشان شکوفای شد مورد جهت پیروزی نهایی جنبش خود نیز بعنوان بخشی از جنبش خلق سپر میکند.

برولتاریا و زحمتکشان ما نیز همیشه با شور و شوق فراوان به استقبال و پذیرش فرزندان خلق آمدند خلق نیز در برخورد به روشنفکران منطق و معیارهای تشویق و تنبیه خود را دارد. معیارهای تشویق در بین زحمتکشان ما که در زمین ساختن تمامی ثروت و نیروی کشورها دستهای زحمتکش خود، هنوز تپتی هستند، مانند دربار پهلوی ارائه چاه منزلت و رفاه اقتصادی نیست. تشویق و تنبیه خلق در بزرگداشت خاطره سه دانشجوی شهید، قند چسی شریعت رضوی و بزرگ نیا در مبارزه شان با دژخیمان درباری در ۱۶ آذر ۳۲ نهفتند. تشویق خلق و تشویق جنازه پر عظمت تختی مبارز متبلور است که چند صد هزار نفر از زحمتکشان ما در آن شرکت کرده بودند. تشویق

کهریزم در برخورد با روشنفکران میهن ما داشت است. رژیم شاه در برابر روشنفکران ما در راه گذارد است. یکی کشانن روشنفکران مبارز به تسلیم و خیانت است که در این راه به انواع حیل از تطبیق و انواع فشارهای اجتماعی گرفته تا شکنجه و ستم میجوید و آنرا از طریق برجستگ کردن خود فروختگان و "مونه" ساختن از آنها تبلیغ مینماید. راه دیگر منفرد کردن و به انزوا کشاندن توده های روشنفکرانی است که در دین سیستم براسای تغییر آن و بهبود اجتماعی فعالیت میکنند. رژیم پهلوی و سیستم پوسیده ماش بقدری فاسد است که هرگز نتواند راهی برای آیند ستاره روشنفکران نیز سد نمود و عملاً نیرو و روحیه آنها را تحلیل میبرد و از صحنه فعالیت های اجتماعی میراند. و آنان را بصورت افراد مخالف رژیم ولی خلع سلاح شده و دست و پا بسته و از نظر شرکت مثبت در تحولات اجتماعی به نیروهای غیر فعال تبدیل میکند.

در صحنه آموزشی راه اول یعنی تسلیم کردن روشنفکران و جهت دادن این نیرو بسوی خدمت به هد فهای کیفی رژیم هسته مرکزی سیاستهای آنرا تشکیل میدهد. ولی نگاهی به تحریک و فعالیتهای روشنفکران بیدار دل ما نشان میدهد که چگونه توده های وسیعی از آنها بپا خاستند و تشویق و سیاستهای فاشیستی رژیم نیتفاده و با اشکال گوناگون در سطوح مختلف در راه مقاومت و مبارزه گام نهادند.

دانشجویان مبارز دانشگاه همیشه بخاطر بدست آوردن حقوق مکرانیک و استقلال ملی مبارزه ای بی امان کرد و بعد فاع از خواسته های مردم و پشتیبانی از مبارزات آنها برخاستند. مبارزات آنها بخاطر آزادی و فعالیتهای صنفی خود، بخاطر حق ایجاد اتحاد بهای واقعی دانشجویی خویش و طرد رهبری اتحاد بهای یزد و دانشجویان تحت قیمومیت سازمان "امنیت" مبارزات آنها بخاطر استادان بهتر، دروس جدید و منطبق بر واقعیهای اجتماعی، مبارزه بخاطر تشکیل جلسات فرهنگی خارج از کنترل رژیم و مبارزه بخاطر تعطیل شهریه و هموهی شانسه های وسیع و روحیه ایستادگی آنان در سطوح مختلف می باشد.

استادان دانشگاهها نیز در چند سال اخیر به مقاومت با اجحاف رژیم پرداختند که بهترین نمونه آن اعتراض وسیع نزد یک به ۱۰ نفر از استادان دانشگاه صنعتی آریامهر به حمله پلیس رژیم به دانشگاه و سرکوب بیرحمانه دانشجویان است. مبارزه بخاطر آزادی در کار تحقیقی و آزادی در انتخاب کتب، بحثی دروس مبارزه با بوروکراسی حاکم در دانشگاه ها و انواع دیگر فعالیتهای مبارزاتی استادان همگی نشانه حرکتی آگاه در بین آنهاست نویسنده گان، شعرا و هنرمندان مترقی نیز در صحنه

«تنبیه و تشویق»

"گزارش کفران انقلاب آموزشی باید به کلیه مراکز آموزشی منجمه نظامی داده شود. منظور اینست که اصل تنبیه و تشویق مربوط به اصول میهن خواهی وفد آکاری در روم سلطنت و برجبراکه در کفران انقلاب آموزشی خاطر نشان کردیم این مراکز بد اند."

شاه در سخنرانی خود در دانشگاه پد افتد طی بدین ترتیب آنچه را که اخیراً در نهمین کفران انقلاب آموزشی در راسر بعنوان "سیاست آموزشی در سال آینده" تدوین شده بود بیان کرد. سیاست "تنبیه و تشویق" در واقع معنایی جز سرکوب بیرحمانه میهن پرستان و آزاد پخواهان و بخشیدن مقام و پول به کسانی که خود را به خدمت دستگاه حاکم فروخته اند، ندارد. و او امه تلاشهای بی جا و رژیم در طرح "انقلاب آموزشی" است که بقصد سرکوب و سخر کردن مبارزات مکرانیک و ضد رژیمی در مراکز آموزشی شکل گرفت. قطعنامه کفران راسر بخوبی نشان میدهد که کوششهای چندین ساله رژیم برای نابودی و بهمیرا هه کشاندن مبارزات گوناگون روشنفکران، همانند سایر برنامه های ارتجاعی "انقلاب سفید" شکست روبروشده و رشد و تداوم مبارزات را اینگونه مراکز رژیم را مجبور به اتخاذ تدابیر شدیدی تری کرده است.

این کفران بدین نتیجه رسید کمیست لیبرال مآبی که از جانب نهادند ی رئیس دانشگاه تهران در سال گذشته تحت عنوان "آزادی و امکان مطالعه همه اید تلوژی ها مطرح شده بود، نتیجه مطلوب نداده و باید بطور ریشه ای فکری برلیدی دانشگاه کرد. باید صحنه دانشگاه ها و مراکز آموزشی را از طریق سرکوب بازهم بیشتر هرگونه صدای اعتراض و مبارزه چها از طرف دانشجویان و معاندان طرف استاد به "محیط امن وامان" بدل کرد، پذیرش دانشجویان را بیشتر منحصر به نوریچشیمان و دستچین شدگان و فرزندان طبقات مرفه نمود، استادان حق و عدالت خواهران به همراه شاگردان "سرخس" متهم شان تنبیه نمود و از مراکز آموزشی بیرون راند.

و به پیروی از سیاست نهادند ی از نوکران سر سیره شاه در خطابه آغاز سال تحصیلی میگوید: "همه خدمتگزاران دانشگاه تهران در یک ننگه اتفاق نظر و رای دارند و آن بقای مملکت و رعایت حرمت عقده سات ملی و پاسنگار از شاهنشاهی ایران است. . . هر انحراف و ضعفی از هر کس و هر مقامی مقابل شاهنشاه در مقابل ملت ایران در مقابل تاریخ ایران نا بخشودنی خواهد بود. . ."

سیاست تنبیه و تشویق در تنبیه یک فشی قدیمی است

خلق را متحد کنیم، دشمن را درهم شکنیم!